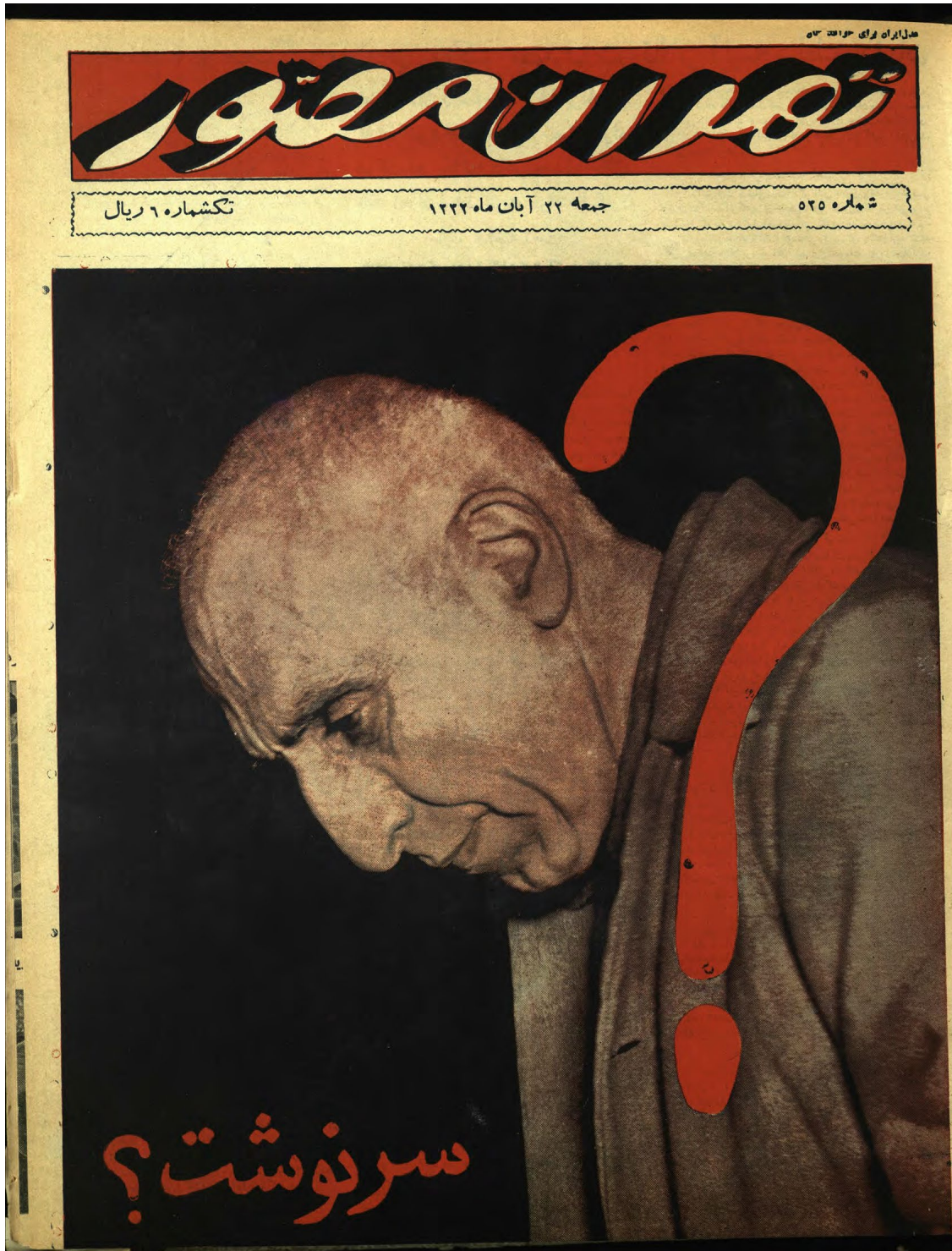


در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران [m.illbeigi@yahoo.fr](mailto:m.illbeigi@yahoo.fr) [xalvat.info](http://xalvat.info)

تهرانمصور : "محاكمهء تاريخى دكتور مصدق در تالار آئينه سلطنت آباد"









# در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



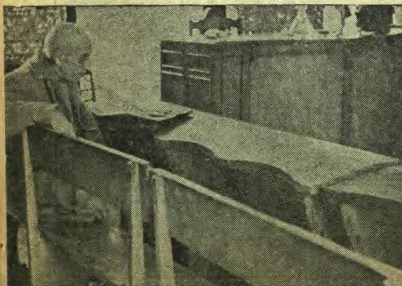
از نگاه دیگران [m.abbeigi@yahoo.fr](mailto:m.abbeigi@yahoo.fr) [xalvat.info](http://xalvat.info)



دکتر مصدق چند بار در جلسات دادگاه دچار ضعف شد، بنابراین یکی از پزشکان نظامی با واداری «کورامین» داد و سپس در حالیکه سر خود را روی دستها گذاشته بود استراحت کرد

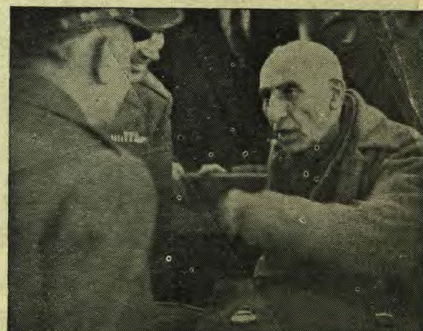


دکتر مصدق بیشتر اوقات با سرهنگر، شاعلی سخن میگوید



تنها او باقیبافه مشترک در جای خود نشسته است

پتیله از صفحه مقابل  
 پس از توضیحات متصل دادستان دکتر مصدق گفت «من ایشان نکتم بیسواد هستم، فقط تذکر دادم که منتم (یا کسر ها) غلط است، و منتم و پانچ ما صبح صبح است. مقصود این بود که ایشان در جمل مرکب نمانند و اما در باره دادستانی ایشان باید بگویم که خود ایشان موفقیه من وزیر دفاع ملی بودم نامه می بن نوشتن و من آن متذکر شده که من فائد تحصیلات قضایی هستم آنگاه دکتر مصدق نامه می را که سابقاً سرئی آزموده برای دکتر مصدق نوشته بود قرائت کرد در این موقع مجدداً رئیس تذکر داد که اگر در باره صلاحیت دادگاه ابراری دارید بگوئید.  
 دکتر مصدق گفت شما یکساعت و نیم بدادستان وقت دادید، بن هم وقت بدهید تا صحبت را بکنم رئیس گفت بر ما مید، دکتر مصدق گفت و بنده مطالب را منصر میگویم، زیرا شما میفهمید مختصر بگویم، زیرا آنرا اهل بحث نیست، اگر نی خواهد بحث کند، می خواهد بگیرد، بنده بکنم، حوصله برای بحث ندارد. منتم مطیع، اگر نباشم چکنم...»



دکتر مصدق هنگام نفس دوتن از وکلای مدافع صحبت میکند



اگر دادستان کم لطفست  
 پس از آن در باره لایحه اعتراضات و اظهارات دادستان وضیحات داد و آنگاه گفت «ما برای اصلاح وضع دادگاههای نظامی که مورد ابراد آقای سرتیب آزموده است قوانینی را از کشور های اروپا گرفتیم. اینکار را من اختراع نکردم، بلکه اینکار اقتباس از قوانین خارجه است، آقای دادستان اگر زبان خارجه میدانند بروند مطالعه کنند بیننده که ما آنرا از خارجه گرفتیم. ماهم گفتیم که قضات ارتش باید دارای این سه اصل باشند: ۱- ایسائیه باشند. ۲- کسی نتواند آنها را تیرید دهد. ۳- حقوقشان کافی باشد. من که از کسی یکشاهی نگرفتم، آنوقت آقای دادستان می گوید که من بیت المال ملکات را بهتر داده ام...  
 بقیه در صفحه ۲۳



# در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



[m.abbeigi@yahoo.fr](mailto:m.abbeigi@yahoo.fr)

[xalvat.info](http://xalvat.info)

از نگاه دیگران

سرتیپ ریاحی با پاس غیر نظامی در میان دو تن از وکلای مدافع خود



سرتیپ بختیار ، سرتیپ افشارپور ، سر لشکر مقبلی ، سرتیپ شیروانی



سرتیپ آزموده به بیانات دکتر مصدق گوش میدهد



در نخستین جلسه ، دکتر مصدق در موقع تپس روی نیمکت استراحت کرد.



سر لشکر مقبلی رئیس دادگاه نظامی در کنار عمارت کلاه فرنگی



دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی و کلای مدافع آنها در تالار آئینه عمارت کلاه فرنگی سلطنت آباد



دکتر مصدق گفت من به سه دلیل از روز ۴۵ مرداد تاکنون نخست وزیر قانونی کشور هستم . . . .

در دومین جلسه دادگاه حالت ضعف بدکتر مصدق دست داد





در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.llbeigi@yahoo.fr    xalvat.info    از نگاه دیگران

دکتر مصدق پشت میز دادگاه هنگام تفتیس



سرتیپ آزمووده را چه با دعانامه خود توضیحانی میدهد



سرتیپ شیروانی، قاضی



سرتیپ افشارپور، قاضی



سرتیپ خزاعی، قاضی

دکتر مصدق متن نطق دفاعیه خود را از کیف دستی بیرون میاورد



دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی در مهان و کلای مدافع خود



دکتر مصدق بیانات و اعتراضات سرتیپ آزمووده دادستان ارتش گوش میدهد    دکتر مصدق هنگام تفتیس را چه بلاجه، دفاعیه خود با سرهنگش بزرگمهر صحبت میکند







دنباله چند صحنه از محاکمه

اگر دادستان بنام کم لطفست من چه میتوانم بکنم ؟  
بهرحال من نصبت وزیر این مملکت بوده‌ام و باید در دیوان کشور  
محاکمه شوم .

آب میخوام

دواین موقع دکتر مصدق که ایستاده بود بایش لایزید و روی  
نیمکت افتاد . پس از آن گفت « آقای رئیس دادگاه ، کلوم خشک  
شده ، تشنه‌ام است ، بگوئید بمن آب بدهند ، آنا من تشنه‌ام ، آب  
بمیده ، ماه ورمخان که نیست ، بگوئید آب بدهند » در این موقع  
سر لشکر میرجلالی نزد دکتر مصدق رفت و خواست باو آب نبات بدهد  
و دکتر مصدق گفت « آقای آب می‌خوام ، آب نبات چیست ؟ به دستور  
رئیس دادگاه آب آورده ، دکتر مصدق يك لیوان آب نوشید و  
پس از آن گفت « والحمد لله ! آب هم مشابه کردند کوفیان ، نشه »

محکومیت در راه مصالح مملکت

سپس بهشتان خود ادا نمودن آدابان ، من در دادگاه از خودم دفاع نمیکنم  
که تیره شوم ، واه بعدا ، قصود این نیست ، زیرا محکومیت در  
راه مصالح مملکت مایه افتخار است ، اگر در این راه کشته هم بشوم  
چه سادگی از این بالاتر . اگر در زندان مرا ازین بر نه هم می-  
فهمند که دست چه اشغالی و چه سیاست ما در ابتکار بوده است . در  
صورتی که خارج از زندان هیچکس نمی‌فهمد چطور ، وجه شخصی مرا  
ازین برد . پس دفاع من از دو نظر است ، یکی آنکه یکمده از رجال  
مملکت در جای آنکه تشریح شوند آنها را جیس کرده‌اند ، دیگر  
آنکه باچه ظانفان لاجل نبخت ملی ایران را که چندین سال ملت  
ایران ومن در راه آن دین کشیده‌ام می‌خواهند ازین بر نه و باز  
وطن عزیز مرا از گرفتار دولت‌های استعماری کنند ...

نقشه کودتا

در آنهایی که من نسبت داده اند باید این نکته روشن شود  
که آبا کودتای واقع شده یانه ، اگر کودتا نبوده چرا دستخطی که  
تاریخ صدور آن روز ۲۲ مرداد است ، آنرا یک ساعت بعد از نیم شب  
۲۵ مرداد بنده‌اند ، آبا غیر از اینست که در آنوقت شب میخواستند  
با قوای نظامی سازش کنند و کار کودتا را بیابان رسانند . دیگر آنکه  
چرا قبل از دستگیری من ، وزیر خارجه ، و وزیر پروه و مهندس زیرک  
زاده را در جریان دستگیر کردن و پس از آداب بردند و در آنجا توقيف  
کردند ؟ بهلاوه چرا سیم‌های سید ارتش را قطع کردند و پس برای کودتا  
بازار را اشغال نمودند ، اگر اینها نقشه کودتا نیست پس برای کودتا  
چه باید کرد ؟ در دستخط شاه که اینکارها را نیتواهم یک ساعت بعد از نیم  
شب باهم آرتانکه و چند کامیون سر بازمصلح آمدند که دستخطها را بن بدهند .

کودتا کدام است

دادن دستخط که اینبه مسلل نیتواهم . بهلاوه آنرا يك  
ساعت بعد از نیمه شب که نیتاوردند ، اگر اینها کودتا نیست پس آقای  
مرتیب آژموده اینها چیست . ما تا شب ۲۵ مرداد مرتکب چه گاهی  
شده بودیم . من که تا شب ۲۵ مرداد يك نصبت وزیر بشام منی  
مطبخ و فرمانبردار بودم - آقای دادستان فرمانبردار ( بشم ب )  
صحیح است نه فرمانبردار ( باشم ب ) بر فرقی که میخواستند مرا  
هول کنند ، بسیار خوب ، روز قبل وزارت دربار میآمد و دستخط را  
میاورد ، اگر من قبول میکردم که هیچ ، اگر قبول نکردم آنوقت  
هر کار که میخواستند می‌کردند . آخرا این چه کاری بود که در آن  
آخربش کردند ، آقای سر لشکر منلی ، آبا این کار من خلاف بود .  
بسیار خوب من نیتواهم شما تصدیق کنید که من قول واقع شویده ولی  
همین سکوت شما خودش کفایت . اگر يك نظامی آنوقت شب بیاید  
و آن کارها را بکنند و بعد سبیلش را بناید و بگوئید من نظامی هستم  
اینکه کار نبشود - آنوقت آقای مرتیب آژموده هم آنها را تعیب  
کردند . آقای مرتیب آژموده چرا آنها را تعیب نکردید ؟ بهلاوه  
این کارها تازه خلعت هم میگردند ، واه يك کلمه از این حرفهای مرا  
که کلوم کسی نیتواند بگوئید صحیح نیست .



در حین محاکمه چند بار حالت ضعف بدکتر مصدق دست داد



این سر باز پشت در اطاق دکتر مصدق مشغول نگهبانی است  
کتر مصدق در میان خبر نگاران مشغول مطالعه با دانهای خود میباشد



اصل ۴۶ قانون اساسی

دیگر آنکه باید معلوم خود آبا با بقا . حق عزل نصبت وزیر  
را دارد ، باصل ۶۶ قانون اساسی توجه کنید . طبق آن اصل من  
نصبت وزیر قانونی هستم ، اگر پادشاه هر وقت وزیر را عزل یا  
نصبت کند ، دیگر مشروطیت منی و منبومی ندارد ، زیرا این کار نصبت  
که در زمان استبداد سلاطین مشبه میگردند و حتی وزراء را لای  
جز میگذاشتند ، اما حالا مشروطه است ، اگر حالا هم همان کار  
های زمان استبداد را بکنند ، پس اکنون دیگر مشروطه می‌در کار نیست .  
در قانون اساسی می‌گوید پادشاه از مسئولیت میراست . باز  
در قانون اساسی می‌گوید وزیر مسئول مجلس هستند ، ولی اگر آنهم  
شاه در کارها دخالت کرد مسئول هم باید باشد و باید مورد پرشور  
مؤاخذ هم قرار گیرد و حال آنکه پادشاه مسئول نیست و باید مؤاخذ  
بشود تا اینکه همیشه باشد . پس شاه می‌تواند وزیر را معزول  
کند . بهین جهت است که گفته‌اند پادشاه باید سلطنت کنده حکومت  
خوب محمد علی شاه در کارها دخالت می‌کرد ، او را بیرون کردند ،  
بنابراین وزراء مسئول مجلس هستند که هر وقت علی برخلاف قانون  
کردند مجلس از آنها مؤاخذ کند و دولت را ساقط نماید .

اصل دستخط

در ۲۲ مرداد که حکم صادر شده و دده ۲ مرداد که دستخط  
بن الاع شده مجلس وجود داشت . بنا بر این در آن تاریخ دولت  
اینجناب قانونی بوده و اگر دولت کار خلاقی کرده ، باید در دوران  
آژموده محاکمه شود پس من نصبت وزیر قانونی هستم ، دستخط هم  
از دو نظر اصالت نداشت . ملت آنرا حالا می‌گویم . این دستخط  
را که با تانک و لال و جبروت آورده بن دادند آن را در دستنویس  
آمنی گذاشتند ولی این دستنویس آمنی را بردند . بندهای متعال هیچکس  
نمی‌توانست این دستنویس را باز کند . این دستنویس را بخروار و بنجاه  
من وزن داشت کار روسیه قدیم بود ، هشت حال آن را حل می‌کردند  
این دستنویس باین وزن آمدند و بردند . بهرحال دستخط شاه اول  
صحه شده و بعد متن آنرا نوشته‌اند . خوب معلوم بود که نویسنده  
سعی کرده است مطابق آنگاه کشاد گفاد بنویسد تا آن را بصحه شاهانه  
برساند . این چیزی بود که من در فرمان دیدم . این موضوع نصبت که  
شما آقای رئیس دادگاه باید بان توجه کنید .

شاه بمن گفت

دیگر آنکه اعلیحضرت شاه بن شاهنشاهی بن فرموده بودند  
اگر روزی برسد که بخواهند برخلاف مصالح مملکت شما را از کار  
برکنار کنند . من اینکار را نمی‌کنم . این دو موضوع مرا نسبت باسالت  
دستخط مشکوک کرد .

من باید آزاد شوم

حالا فرض میکنم این اختیارات را بدکتر مصدق خواه نصبت  
وزیر باشد یا نباشد همه بودند . بازم وظیفه داشتم که به تنظیم و  
اصلاح قوانین بپردازم و حال آنکه مرا زندانی کردند و نگذاشتند  
بوظیفه قانونی خود اقدام کنم . پس آن کسانی که مرا زندانی کردند و  
مرا از وظیفه منی که طبق لایحه اختیارات داشتم باز داشتند باید طبق  
ماده ۲۹ قانون مجازات سومی تعقیب شوند ، و من بلا تا مل آزاد شوم .

فکری از مجله نهر انصوار

پس از انتشار جریان خطیب جرمی اینجناب در مجله نهر ان  
مصور سه‌زبانی از خوانندگان نامه‌هایی برای اینجناب ارسال داشته‌اند  
و تلفوآ نیز از مجله آدرس مطب اینجناب را خواستار شده‌اند  
با عرض تشکر از کارکنان تهران مصور وهم میبمان گرامی بسین  
وسیله نشانی مطب خود را ذیلا باطلاع عمومی رسانم ؛  
دکتر امریکا متفحص در ارتوبه جرمی استخوان و شکسته  
بندی و اندام کج ما در آوا و کنسای- خیابان نهر ( بن کاخ ) - پست‌مستقری  
اول شماره ۷۶ - سامات پدیرانی مصر ها از ۷ تا ۷ مدایظر تلن ۴۴ - ۶۴

دکتر مصدق با سر هفت آژموده از اطاق خود پدایگاه میروند



در تقارن تهران  
کمدی  
( ( محبوب همه ) )  
بدی هورفر - ناده - مریم - تفکری -  
اسدزاده - محز و - امیر فضلی  
شروع ساعت ۷ بعد از ظهر  
کیشه برای فروش بلیط همه روزه از صبح بازاست  
امروز دوسا نس ۴ و نیم و ۷ و نیم بعد از ظهر  
صاحب امتیاز منوچهر آرین پی



در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



از نگاه دیگران [m.illbeigi@yahoo.fr](mailto:m.illbeigi@yahoo.fr) [xalvat.info](http://xalvat.info)

# تهدیه از محسن

تک شماره ۶ ریال

جمعه ۲۲ آبان ماه ۱۳۲۲

شماره ۵۲۵





در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیکی)



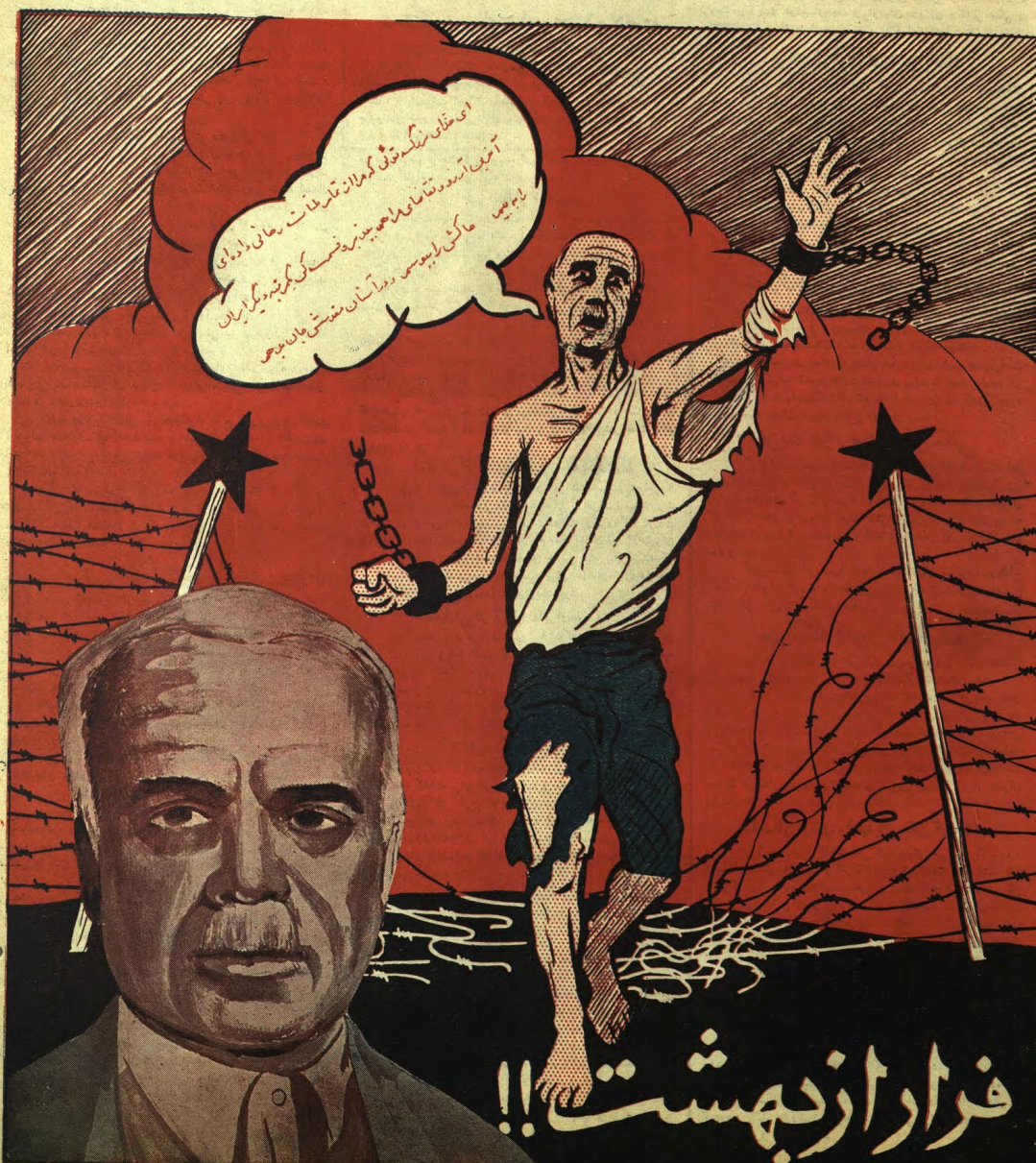
از نگاه دیگران [m.llbeigi@yahoo.fr](mailto:m.llbeigi@yahoo.fr) [xalvat.info](http://xalvat.info)

# توران مصور

تک شماره ۶ ریال

جمعه ۲۹ آبانماه ۱۳۲۲

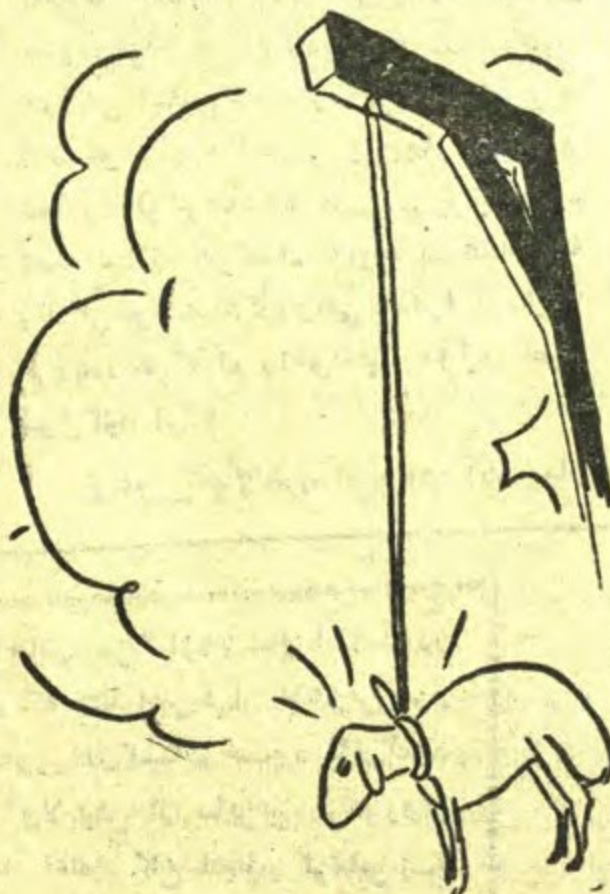
شماره ۵۲۶







### تقاضای اعدام بره



در معاکمه دکتر مصدق بلحاظ آنکه  
سرتیپ ریاحی کوچکترین اعتراضی نمی-  
کند. یکروز دکتر مصدق با عصبانیت گفت:  
این سرتیپ ریاحی مانند بره اینجانشسته  
و حرفی نمی زند ...  
یکی از مغربین بددلیل آن گفت :  
بهین جهت است که دادستان برای او تقاضای  
(اعدام) کرده است !









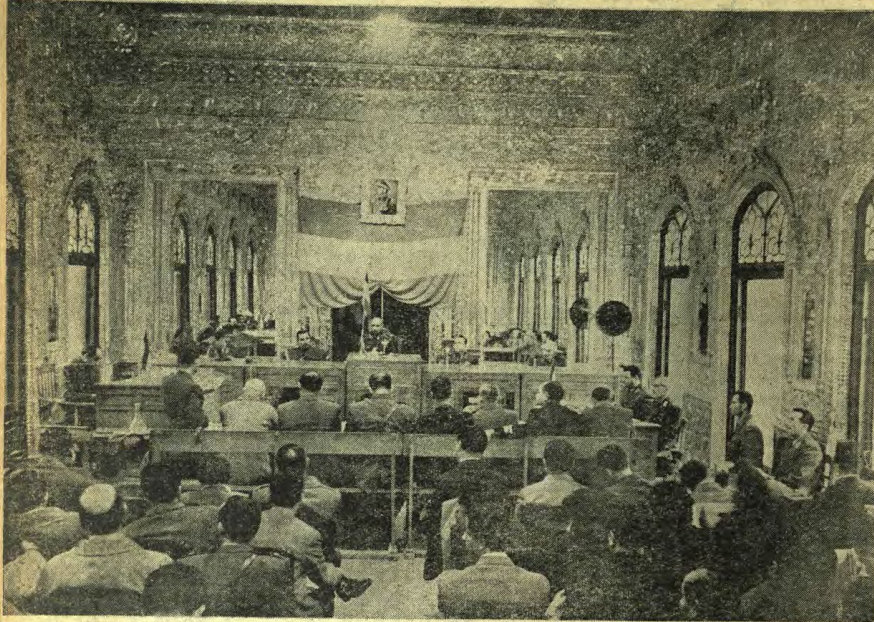
### (بقیه) در قلعه فلك الافلاك

بقرار اطلاع از یکماه پیش تا کنون چهار بار مستشاران سفارت شوروی بباقر فیهی رئیس اداره دوم آن وزارتخانه که مربوط بامور شوروی است، مراجعه کرده و در باره تاریخ شروع مذاکرات، برای رفع اختلافات مالی و مرزی پرسیده اند ولی از طرف دولت هیچگونه جواب مثبتی داده نشده و بآنها گفته اند که دولت برای تعیین نمایندگان خود مشغول مطالعه است.





## چند صحنه از محاکمه تاریخی دکتر مصدق در دادگاه نظامی سلطنت آباد



پس از مدافعات دکتر مصدق و اظهارات وکلای مدافع سر تیب ریاحی نایب بر عدم صلاحیت دادگاه، محکمه نظامی با توافق آراء رأی بصلاحیت خود داد

هفته گذشته محاکمه دکتر مصدق و سر تیب ریاحی در يك محیط همچنان انگیز همچنان ادامه داشت . پس از اظهارات دکتر مصدق و سر تیب ریاحی و وکلای مدافع آنها دائر بر عدم صلاحیت دادگاه ، دادستان ارتش مطالبی درود اظهارات متهمین بیان کرد و سپس دادگاه وارد شور شد و آنگاه با توافق آراء رأی بصلاحیت خود داد .  
پس از آن سر تیب آزموده دادستان نظامی شروع بصحبت کرد و در اطراف ادعا نامه خود توضیحاتی داد و گفت (دکتر مصدق در نظر داشت بیا رئیس جمهوری شود ، یا مصدق شاه) در این موقع دکتر مصدق که سر خود را روی دستهایش نهاده بود ناگهان سر بلند کرد و گفت «است»

منظره نئی از دادگاه نظامی سلطنت آباد در تالار آینه و جابجاء اعضاء دادگاه ، دادستان ، متهمین و وکلای مدافع آنها و تماشاچیان



دکتر مصدق در حالیکه سخت خسته بنظر میرسد سر خود را روی شانه سرهنگ شاهقلی گذاشته است  
دکتر مصدق با اذیت باظهارات منشی محکمه دائر بصلاحیت دادگاه گوش بدهد هنگام دفاع سرهنگ شاهقلی دکتر مصدق چهره خود را در میان دو دست پنهان کرده و فکر میکند اعضاء دادگاه نظامی پس از شور با توافق آراء رأی بصلاحیت محکمه دادند





در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون اهل بیگی)



[m.llbeigi@yahoo.fr](mailto:m.llbeigi@yahoo.fr)

[xalvat.info](http://xalvat.info)

از نگاه دیگران

# تصوران مصور

تک شماره ۶ ریال

جمعه ۲۹ آبان ماه ۱۳۳۲

شماره ۵۶۶



نیکسون  
به ایران  
میاید





در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون اهل بیگی)



[m.illbeigi@yahoo.fr](mailto:m.illbeigi@yahoo.fr)

[xalvat.info](http://xalvat.info)

از نگاه دیگران







## زندانیان قلعه فلك الافلاك بتهران منتقل می شوند

مخبر نگار تهران مصور اطلاع میدهد کمیسیونی که از طرف فرمانداری نظامی و ستاد ارتش مأمور رسیدگی بسوابق و پرونده زندانیان قلعه فلك الافلاك شده بودند بهجل رفته و پس از بازجویی از بازداشت شدگان ، عده ای از آنها را آزاد کرده اند .  
در باره بقیه زندانیان قلعه فلك الافلاك تصمیم گرفته شده است که آنها را برای مهاجرت به تهران بازگردانند و در صورتیکه محکوم شدند مجدداً آنها را بقلعه فلك الافلاك اعزام دارند و تا پایان مدت محکومیت در آنجا بمانند . بنابراین از هفته آینده زندانیان قلعه فلك الافلاك بتدریج بتهران منتقل میشوند .